

پزشکی و قانون



اگرچه از اسم پزشکی قانونی همراه بودن پزشکی با قانون مفهوم میشود ولی در حقیقت در عین حالی که پزشکی در خدمت قانون است و پزشکی قانونی از تمام معلومات پزشکی استفاده میکند تا راه را برای موفقیت قانون بگشاید یک تضادی نیز بین آنان وجود دارد.

صدرنشینان مسند قضا که ترازوی عدالت بر کف، سرنوشت انسانها را رقم میزنند در یک کفه ترازو، قانون را قرار میدهند که با تمام صلابت و استحکام و پایداری و قاطعیت عرض اندام میکنند و در کفه دیگر پزشکی را، یعنی در حقیقت نتایج حاصل از پزشکی یا بطور دقیق کارشناسی پزشکی قانونی را، که درست برعکس قانون از قاطعیت و صلابت و پایداری در آن خبری نیست بلکه پر از ناپایداری، بی ثباتی و تغییر و تحول است.

گفتیم پزشکی قانونی معلومات پزشکی را در خدمت قانون قرار میدهد یعنی وقتی در یک مسأله مربوط به انسان کارشناسی میشود و نتایج کارشناسی در کفه ترازو در مقابل قانون قرار میگیرد در حقیقت از علم پزشکی استفاده شده است و اظهار نظر پزشکی قانونی در واقع حاصل از علم پزشکی میباشد و از اصول و قوانین موجود در آن متأثر است. علم پزشکی مربوط به انسان است که یک موجود بیولوژیک بوده و تابع

اصول کلی بیولوژی و زندگی و حیات است که بر از تغییرات و تحولات و ناپایداریها و ناهمگونیهاست : انسانها با شکلها و قیافه های مختلف ، با طرز فکرها و مغزها و روانهای متفاوت خلق شده اند، سیاه، زرد، سفید، بلندقد، کوتاه قامت زشت، زیبا، چاق، لاغر... مدت های متفاوتی عمر میکنند از چند ساعت، روز، ماه، سال تا چندین ده سال حتی متجاوز بر قرن، و در شرایط متفاوت زندگی را بسر میبرند. فقر یا غنا، رفاه یا سختی، سعادت یا نگون بختی، در آب و هوای سرد یا گرم از قطب تا استوا از ۰ - درجه تا ۰ + درجه، سختی های اقلیمی را تحمل مینمایند و دارای خصوصیات انفرادی کاملاً متفاوت از همدیگر میباشند که هیچکدام از این خصوصیات نیز ثابت و لایتغیر نیست : بدین معنی که مثلاً انسان سالم قاعدتاً دارای قلبی است که قریب ۸۰ ضربان در دقیقه دارد در حالی که صاحبان ۷۰ یا ۹۰ ضربان نیز سالم و طبیعی میباشند همچنین فشار خون طبیعی انسان حدود ۱۳ و ۱۴ است در حالی که شخص با فشار خون ۱۰ یا ۱۱ نیز بطور طبیعی و کاملاً سالم زندگی میکند، یک نفر با فشار خون ۱۵-۱۶ احساس ناراحتیهای مختلف مینماید در حالی که دیگری با فشار ۱۷ و ۱۸ نیز هیچگونه ناراحتی حس نمیکند و وقتی درجه فشار خون او را به خودش اطلاع میدهند تعجب میکنند، انسانی ممکن است ساعتها و روزها گرسنگی یا تشنگی را تحمل کرده و زنده و سالم بماند و یا در شرایط مختلف سرما و گرما مقاومت نماید و انسان دیگری با مختصر تغییری در شرایط حرارتی یا تغذیه ای از بین برود و هزاران نمونه دیگر که نشان دهنده این است که انسان موجودی بیولوژیک بوده و تابع قوانین و اصول متغیر بیولوژی یا زندگی و حیات میباشد و طبیعتاً قوانین ثابت و یکنواخت و مشابهی نمیتواند داشته باشد.

یک بیماری همه گیر شیوع پیدا میکند. عده ای مبتلا میگردند و عده دیگری کوچکترین ناراحتی پیدا نمیکند از آنهایی که مبتلا شده اند گروهی میمیرند و گروه دیگری زنده میمانند از عده ای که زنده مانده اند گروهی سلامت کامل خود را باز یافته و هیچگونه نقص و معلولیتی نشان نمیدهند در حالی که گروه دیگری بقایائی از بیماری مبتلا شده را بصورت معلولیت و نقص عضو تا آخر عمر با خود دارند، تمامی این مسائل نشان دهنده متغیر بودن قوانین و اصول بیولوژیک

است که مخصوص هر موجود زنده از جمله انسان میباشد که پزشکی انسان نیز متأثر از آن است در نتیجه علم پزشکی قانونی نیز منعکس کننده این اصول متغیر بیولوژیک میباشد. اگر بخواهیم در پزشکی با قاطعیت سخن بگوئیم باید هر انسانی را مستقلاً بطور کامل و کلی مطالعه کرده و بشناسیم و خصوصیات بیولوژیک او را مشخص و معین سازیم سپس درباره او بعنوان فردی مستقل با خصوصیات ویژه و منحصر به خود اظهار نظر نمائیم یک شکستگی استخوان ران در فردی ممکن است در ظرف دو ماه بکلی جوش خورده و بهبودی یابد در حالی که همین امر در فرد دیگری اسکان دارد در مدت یک ماه انجام گیرد و یا در شخص دیگری ماه ها طول بکشد و یا اصلاً جوش نخورد و یا عوارض ثانوی بوجود آورده حتی منجر به مرگ نیز گردد یعنی در حقیقت شکستگی استخوان ران و جوش خوردن آن اگرچه در کل یک پدیده واحد است ولی بطور انفرادی میتوان گفت هر انسانی شکستگی مخصوص به خود و جوش خوردن مخصوص به خود را دارد یعنی هر وجودی از وجود دیگر مستقل است و هر کدام واکنشهای مخصوص به خود را دارد.

نمونه دیگری بیان کنیم، دختر باکره ای مورد تجاوز جنسی قرار میگیرد، عادتاً معاینه او باید پارگی پرده بکارت را نشان داده و پارگی هم با خونریزی همراه باشد در حالی که بعضی اوقات نه پرده بکارت پاره میشود و نه خونریزی بوجود میآید و در عین حال تجاوز نیز انجام گرفته است این امر وقتی اتفاق میافتد که پرده دختر از پرده های به اصطلاح نوع الاستیک یا کشدار باشد یعنی با وجود انجام عمل جنسی پاره نشود فقط بعلت کشدار بودن کشش پیدا کرده و این عمل را ممکن سازد طبیعتاً چون پارگی نیست خونریزی هم نخواهد بود، در بعضی مواقع اتفاق افتاده دختری با پرده بکارت الاستیک به خانه بخت رفته شب زفاف بعلت فقدان خونریزی مورد اتهام و بیحرمتی داماد قرار گرفته و حتی گاهی مظلومانه جان خود را نیز از دست داده است.

برای روشن شدن بیشتر مسأله و درک مشکلات پزشکان قانونی نمونه های دیگری از ناپایداری و ناهمگونی اصول بیولوژیک انسانی ارائه می کنیم تا خوانندگان محترم ملاحظه فرمایند تا چه حد پزشکی قانونی در رابطه با بی ثباتی و تغییر پذیری اصول بیولوژیک با سختی ها رو در روست.

داروئی به بیماری تجویز می‌شود معمولاً اثر شفا بخش دارو سبب بهبودی بیمار می‌گردد و اگر دارو با مقادیر زیادتر از اندازه تجویز شود باعث خطر بوده و در صورت تجویز بمقدار کمتر از اندازه، بی‌تأثیر خواهد بود پس پزشک دارو را به اندازه تعیین شده توسط علم پزشکی تجویز می‌کند و مطمئن است که کار صحیح انجام داده و هیچ خطائی مرتکب نشده است ولی بعد از دقایقی حال مریض بهم می‌خورد و بیمار حالت شوک پیدا می‌کند که اگر بطور فوری و صحیح درمان نشود امکان دارد فوت نماید در این حالت می‌گویند بیمار نسبت به آن دارو حساسیت یا آلرژی داشته و داروئی که با مقدار صحیح و بدون عیب و نقص تجویز شده بود بجای بهبودی و شفای بیمار سبب ناراحتی و احیاناً مرگ او گردیده است پس مسأله‌ای به اسم آلرژی نیز وجود دارد که پزشک باید به فکر آن باشد بار دیگر همان دواى شفا بخش را به بیمار دیگری تجویز می‌کند و مسأله آلرژی را نیز در نظر می‌گیرد از مریض تحقیقات کافی کرده در صورت لزوم، آزمایشهای مشخصی را نیز انجام می‌دهد تا از بابت آلرژی خطری متوجه بیمار نگردد این بار پس از تجویز دارو مشاهده می‌شود که مثلاً اگر دارو را برای ناراحتی عصبی تجویز کرده بود و روی اعصاب او اثر شفا بخش اعمال کرده ولی روی دستگاه تنفس وی اثر تضعیف کننده داشته و او را دچار ناراحتی تنفسی ساخته است این بار اثر به اصطلاح جانبی یا اثر فرعی دارو مطرح می‌باشد. نوبت دیگر باز در تجویز همان دارو به بیمار دیگری پزشک اثرات جانبی آنرا نیز در نظر می‌گیرد و دارو را تجویز می‌کند ایندفعه پس از چند روز بیمار دچار اختلالات گوارشی می‌گردد و معلوم می‌شود که ناشی از آثار به اصطلاح ثانوی دارو بوده بار دیگر به هنگام تجویز همان دارو آثار ثانوی ممکن را نیز در نظر می‌گیرد و با احتیاط کاملتر دارو را تجویز می‌کند متأسفانه پس از مدت کوتاهی بیمار دچار اختلالاتی در یکی از دستگاههای بدن مثلاً دستگاه خونی می‌گردد و معلوم می‌شود که این بیمار بخصوص، نقصانی در ساختمان آنزیمی بدن داشته و کمبود آن ماده یا آنزیم باعث این نوع اختلالات خونی گردیده است بالاخره ماهها یا سالها پس از تجویز یک دارو ممکن است بیمار دچار سرطان یا نقص عضو یا اختلال دیگری گردد که معلوم شود ناشی از تجویز همان دارو و اثرات ویروسی آن بوده است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در تجویز فقط یک قلم دارو که ساده‌ترین و رایجترین اقدام پزشکی است چه اندازه مشکلات و پیچیدگیها و ابهام وجود دارد و چقدر بدن انسانها در پذیرش یک دارو از همدیگر متفاوتند و حتی یک داروی تنها روی همه آنها یکسان و مشابه اثر نمی‌کند و وظایف پزشک قانونی مثلا در رابطه با همین عوارض یک دارو، در ارزیابی خطای پزشکی چقدر مشکل می‌باشد.

نگاهی به مسأله مرگ بیندازیم، همه انسانها طعم مرگ را می‌چشند و دیر یا زود کالبد خاکی را وداع می‌گویند و به‌عالم باقی می‌شتابند در این سفر بی‌بازگشت تعجب می‌کنیم وقتی می‌بینیم یک انسان ماهها بلکه سالها روی تخت بیمارستانی یا در منزل خود با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند و مغلوب آن نمی‌شود و انسان دیگری صحیح و سالم در یک چشم بهم‌زدن و بطور آبی در سرکار خود و یا در منزل بدون کوچکترین مبارزه یا کمترین تقلای چشم از جهان فرو بسته و دارفانی را بدرود می‌گوید و باصطلاح با یک مرگ آبی در می‌گذرد در اینجا مختصر مکتبی درباره‌ی گروه مرگهای به اصطلاح آبی داشته باشیم و ببینیم این مرگهای آبی چگونه اتفاق می‌افتند و مثلا چگونه انسانی با شنیدن یک خبر ناگهانی بد یا بعضی اوقات حتی خوب آنا قالب تهی کرده رخت از جهان برمی‌بندد و در کالبدگشائی هیچگونه ضایعه و عیب و نقصی در داخل بدن او دیده نمی‌شود که علت مرگ را توجیه کند و می‌گویند او در اثر رفلکس وقفه‌ای مرده است رفلکس وقفه‌ای دیگر چیست؟ رفلکسی که ممکن است در اثر یک اقدام کوچک پزشکی حتی مانند وارد کردن یک سوزن در بدن اتفاق بیفتد و یا در اثر شوخی دو نفر با همدیگر و وارد شدن یک ضربه مختصر از طرف یکی بدیگری پیش آید در مطالعات پزشکی قانونی، کالبدگشائی هیچ علامت کمک‌کننده‌ای به پزشک قانونی نمی‌دهد یعنی عملا پزشک ضایعه‌ای پیدا نمی‌کند تا مرگ را به آن نسبت دهد و علت مرگ را رفلکس وقفه‌ای اعلام می‌کند از طرف دیگر می‌دانیم که هر روز به هزاران هزار انسان آمپول تزریق می‌کنند و اعمال پزشکی گوناگون روی آنها انجام می‌دهند و هزاران انسان با همدیگر شوخی می‌کنند یا بهم ضربه می‌زنند ولی هیچکدام نمی‌میرند

و اتفاق هم نمی‌افتد پس واکنش انسانها نسبت به داروها، به ضربه‌ها، و اقدامات دیگر پزشکی یکسان نیست و هر کدام واکنش مخصوص بخود را داراست وقتی ارزیابی این واکنشها به پزشک قانونی محول می‌گردد پزشک قانونی در اقیانوس بی‌پایان بی‌ثباتی‌ها و ناهمگونیها و ابهامات باید غوطه خورد تا صدف مقصود را که همان حقیقت امر است شناسائی کرده و ارائه نماید.

نمونه‌های فراوانی از این قبیل که همه و همه نشان‌دهنده متفاوت و متغیر بودن قوانین و اصول بیولوژی است، که در کل پزشکی و بطور اختصاصی در پزشکی قانونی، متجلی است.

در مقابل این ناپایداریها، ناهمگونیها و تغییر و تحول پذیری‌ها که پزشکی قانونی با آنها روبرو است علم حقوق قرارداد که علم ثبات و پایداری و تداوم است قوانین وضع شده در آن ثابت و پایدار بوده و مجریان آن عادت به قاطعیت و ثبات داشته از پزشکان قانونی نیز همین خصوصیات را انتظار دارند ولی با توجه به آنچه گذشت انصاف باید داد که کار پزشک قانونی از این حیث فوق‌العاده مشکل و پیچیده بوده و انتظار همچو قاطعیت و صلابتی از او چندان منصفانه و واقع‌بینانه نیست،

زیرا همانگونه که ملاحظه شد یکنواختی و ثبات در پزشکی و در نتیجه پزشکی قانونی وجود ندارد و پزشک قانونی باید خیلی مجاهدت کرده و دقت و مهارت بخرج دهد تا بتواند از ورای ابرهای تیره و تار ابهامات، غیریکنواختی و بی‌ثباتیها، حقیقت ثابت و پایدار را که مطلوب مراجع قضاست پیدا کرده و با اطمینان خاطر و قاطعیت بر آنان عرضه نماید تا آنان بتوانند بعد از اطلاع از حقیقت امر و پی بردن به کنه مطلب رأی صائب خود را صادر نمایند.

والسلام